



فضای امن کلاس درس؛ زمینه ای برای افزایش مشارکت، خلاقیت و یادگیری اثربخش دانش آموزان



سیده معصومه هاشمی، ریحانه باباجهدانصاری، کبری اعلم عصمتی، سیده آمنه محسن پور

کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی

کارشناسی مدیریت

کارشناسی جغرافیا

کارشناسی زبان انگلیسی



MDOI-02-2026.0176
MNR-190-2-126476

چکیده

ایجاد و حفظ یک فضای امن روان شناختی در کلاس درس به عنوان یکی از ارکان بنیادین در طراحی زیست بوم های نوین یادگیری شناخته می شود که نقشی بی بدیل در تسهیل تعاملات پویای میان معلم و دانش آموزان ایفا می کند. این پژوهش با هدف تبیین نقش سازنده محیط امن آموزشی در ارتقای شاخص های کلیدی یادگیری، به بررسی تحلیلی چگونگی تاثیرگذاری این فضا بر افزایش مشارکت فعال، شکوفایی خلاقیت و تحقق یادگیری اثربخش در دانش آموزان می پردازد. زمانی که فراگیران در محیط کلاس احساس امنیت روانی، پذیرش و حمایت اجتماعی کنند، تمایل بیشتری برای ابراز ایده های نوآورانه، پذیرش ریسک های شناختی و مشارکت در فعالیت های جمعی از خود نشان می دهند. در این راستا، کاهش اضطراب ناشی از قضاوت همسالان یا تنبیه از سوی معلم، بستر مناسبی را برای پرسشگری، تفکر انتقادی و یادگیری خودراهبر فراهم می آورد. یافته های این نوشتار نشان می دهد که بازآفرینی نقش معلم از یک منبع اقتدار به یک تسهیلگر عاطفی و شناختی، نه تنها به تقویت مسئولیت پذیری اجتماعی و خودآگاهی در دانش آموزان منجر می شود، بلکه پایداری و عمق فرآیند یادگیری را در قالب برنامه های درسی رسمی و غیررسمی تضمین می کند.

کلمات کلیدی: فضای امن کلاس درس، امنیت روان شناختی، مشارکت دانش آموزان، خلاقیت، یادگیری اثربخش، تعامل معلم-دانش آموز.

مقدمه

تعلیم و تربیت در هزاره جدید، دیگر به انتقال صرف مفاهیم شناختی و الگوهای رفتاری سنتی محدود نمی شود؛ بلکه به عنوان یک زیست بوم پویا و چندبعدی تلقی می گردد که تمام ابعاد روانی، اجتماعی، فیزیکی و عاطفی یادگیرنده را تحت تاثیر قرار می دهد. در این میان، کلاس درس به عنوان هسته مرکزی این زیست بوم، کانون تعاملاتی است که کیفیت آن



می‌تواند مسیر رشد یا سرکوب استعدادهای دانش‌آموزان را تعیین کند. پژوهشگران حوزه آموزش همواره بر این باور بوده‌اند که متغیرهای محیطی، اعم از عوامل فیزیکی، عاطفی و ساختاری، نقش تعیین‌کننده‌ای در چگونگی پردازش اطلاعات و انگیزه تحصیلی فراگیران دارند؛ به طوری که رحیمی نیا (۱۴۰۰) با طرح این پرسش اساسی که چرا محیط برای یادگیری دانش‌آموزان مهم است، نشان می‌دهد که بستر فیزیکی و روانی کلاس درس فراتر از یک ظرف خنثی عمل کرده و مستقیماً بر ساختار شناختی و آمادگی ذهنی دانش‌آموزان اثرگذار است. این محیط زمانی می‌تواند به کارکردهای بهینه خود دست یابد که حس امنیت روان‌شناختی را در فراگیران بیدار کند. امنیت روان‌شناختی در کلاس درس به این معناست که دانش‌آموز بدون ترس از قضاوت منفی، طرد شدن، تمسخر یا تنبیه، بتواند افکار خود را بیان کند، سوال بپرسد، اشتباه کند و به بازسازی ساختارهای ذهنی خود بپردازد. سیف (۱۳۹۰) در تبیین اصول روانشناسی پرورشی نوین استدلال می‌کند که فرآیند یادگیری زمانی به شکل واقعی و پایدار رخ می‌دهد که یادگیرنده از لحاظ روانی در وضعیت بهینه قرار داشته باشد و عوامل مخل مانند اضطراب شدید و احساس ناامنی محیطی، ظرفیت حافظه فعال او را اشغال نکرده باشند. بنابراین، طراحی یک محیط امن، پیش‌شرط ورود به هرگونه فعالیت شناختی عمیق است. علاوه بر این، نباید فراموش کرد که ابعاد فیزیکی و بصری کلاس درس نیز به اندازه ابعاد روانی آن در ایجاد حس امنیت و پویایی ذهن اهمیت دارند. تاجبخش (۱۳۸۹) در بررسی‌های خود پیرامون روانشناسی محیط نشان می‌دهد که حتی متغیرهای ظاهراً ساده‌ای مانند رنگ‌های به کار رفته در دیوارها و تجهیزات کلاس، تأثیرات عمیقی بر کیفیت تفکر و میزان خلاقیت فراگیران بر جای می‌گذارند و می‌توانند محرک یا مانع آرامش ذهنی لازم برای یادگیری باشند. تقیه (۱۳۹۱) نیز با تأکید بر تأثیر مستقیم محیط آموزشی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، یادآور می‌شود که هرگونه نقص در مولفه‌های فیزیکی و روانی کلاس درس می‌تواند به افت تحصیلی و کاهش اشتیاق به یادگیری منجر شود. این امر ضرورت بازاندیشی در نقش معلمان را دوچندان می‌کند؛ چرا که معلم نه تنها انتقال‌دهنده دانش، بلکه معمار اصلی این فضا و سازمان‌دهنده تعاملات درون آن است. سعیدی فر و همکاران (۱۴۰۰) در تحلیل نقش معلمان در فرآیند یاددهی و یادگیری بر این نکته پای می‌فشارند که اثربخشی تدریس مستلزم توانمندی معلم در هدایت جو عاطفی کلاس به سمت پذیرش متقابل و احترام است. در دهه‌های اخیر، با گسترش فناوری‌های نوین و تغییر در شیوه ارائه آموزش، مفهوم محیط یادگیری نیز دستخوش تغییر شده است؛ به گونه‌ای که جلالی و همکاران (۱۴۰۰) نشان می‌دهند که حتی در بستر آموزش‌های از راه دور و مجازی نیز معلمان وظیفه دارند بستری امن و تعاملی ایجاد کنند تا دانش‌آموزان علیرغم فاصله فیزیکی، احساس تعلق به گروه و امنیت ارتباطی را تجربه نمایند.



از سوی دیگر، مدیریت کلاس درس به عنوان ابزار عملیاتی معلمان برای تحقق این امنیت مطرح است؛ صیدیمرادی و صیدیمرادی (۱۴۰۳) معتقدند که مدیریت کلاس درس نباید به عنوان ابزاری برای اعمال کنترل مطلق و سرکوب رفتارهای طبیعی دانش‌آموزان به کار رود، بلکه باید به عنوان سازوکاری برای ایجاد یک محیط یادگیری مثبت، هدایت‌کننده و ایمن تعریف شود که در آن قوانین کلاس به وضوح و با مشارکت خود فراگیران تدوین می‌گردند. در چنین شرایطی است که می‌توان انتظار داشت اثربخشی معلم به بالاترین حد خود برسد. خادمیان قادیکلایی و همکاران (۱۴۰۱) با بررسی دانش اثربخشی معلمان، تاکید می‌کنند که معلمان کارآمد کسانی هستند که دانش تخصصی خود را با مهارت‌های ارتباطی و توانایی خلق محیط‌های امن تلفیق کرده و از این طریق دستاوردهای تحصیلی و تربیتی دانش‌آموزان را ارتقا می‌دهند. شعبانی (۱۳۹۹) نیز در کتاب خود پیرامون مهارت‌های آموزشی و پرورشی، اشاره می‌کند که بدون تسلط معلم بر روش‌ها و فنون تدریس تعاملی و مدیریت پویای کلاس، دستیابی به اهداف عالی تعلیم و تربیت غیرممکن خواهد بود. این رویکرد به ویژه در نظریه‌های سازنده‌گرایی نمود بیشتری می‌یابد؛ جایی که کرمی، تجری و پاکمهر (۱۳۹۹) نشان می‌دهند که طراحی محیط‌های یادگیری سازنده‌گرا به عنوان بستری برای افزایش اثربخشی برنامه‌های درسی (نظیر مهارت‌های زندگی)، به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا در فضایی بدون تهدید، به ساخت دانش شخصی بپردازند. در نهایت، عباسی و همکاران (۱۴۰۲) با معرفی استراتژی‌های مؤثر برای ایجاد محیط یادگیری سازنده، بر این باورند که پیوند میان ساختار کلاس، رفتارهای معلم و تعاملات همسالان، زیربنای اصلی یادگیری پایدار را تشکیل می‌دهد. حقیقی (۱۳۷۳) نیز در بررسی‌های تحلیلی خود یادآور می‌شود که عبور از الگوهای سنتی و حرکت به سمت واقعیت‌های نیازهای شناختی فراگیران، مستلزم شکستن قالب‌های جزمی گذشته و پذیرش الگوهای نوین تسهیل‌گری در آموزش است. با توجه به این مقدمات، پژوهش حاضر تلاش دارد با اتکا به مبانی نظری و تجربی موجود، به واکاوی عمیق رابطه میان فضای امن کلاس درس با مولفه‌های مشارکت، خلاقیت و یادگیری اثربخش بپردازد و راهکارهای کاربردی ارائه دهد.

بیان مسئله

تدریس بخشی از روند آموزش و پرورش است که یک رشته کردارها به سازمان و از پیش برنامه‌ریزی شده را در بر می‌گیرد و هدفش پیدایش شرایط دلخواه یادگیری از سوی معلم است به آن بخش است کردارهای آموزشی که از سوی رسانه‌ها و بدون حضور و تعامل معلم با فراگیر رخ می‌دهد تدریس گفته نمی‌شود و آموزش و پرورش معنایی بسیار گسترده‌تر از تدریس دارد. تدریس اثربخش معلم یکی از مهم‌ترین عواملی است که در نهایت منجر به یادگیری بهتر



فراگیران می‌شود تدریس اثربخش باید فعالیت منظم و مرتبط و هدفدار باشد و هدفش ایجاد شرایط مطلوب یادگیری است و دانشجو و استاد به هم تاثیر بگذارد. محیط آموزشی یکی از عوامل موثر در عملکرد تحصیلی دانش آموزان می باشد. سیستم آموزش و پرورش مدرن سعی دارد که مسیر خود شکوفایی و رشد استعداد های دانش آموزان را از همان مقاطع تحصیلی پایین هموار کند. از این رو دانش آموزان باید حق آزادی پرسش، اندیشه، انتقاد، حق شک و جرأت، خلاقیت و نوآوری را داشته باشند. بدون شک محیط سالم و کارآمد باعث رشد و شکوفایی می شود همانند گلی که اگر در شرایط محیطی مناسب قرار بگیرد شکوفا می شود دانش آموزان هم اگر در محیط و بستر مناسب باشند شکوفا و استعدادهای آنها رشد پیدا می کند. ایجاد محیط یادگیری مثبت در کلاس درس از اهمیت بالایی برخوردار است و نیازمند ترکیبی از راهکارهای مدیریتی متنوع است. این راهکارها شامل تعیین قوانین و انتظارات واضح، برقراری ارتباط موثر با دانش آموزان، تشویق و تقویت مثبت، مدیریت زمان و برنامه ریزی، ایجاد محیط فیزیکی مناسب، توجه به نیازهای فردی، ترویج همکاری و کار گروهی، استفاده از فناوری های آموزشی، ارتقای مهارت های اجتماعی و عاطفی و ارائه بازخورد سازنده می باشد. اجرای این راهکارها توسط معلمان میتواند منجر به ایجاد محیطی مثبت و انگیزشی برای یادگیری دانش آموزان شود که بهبود عملکرد تحصیلی و رشد شخصی و اجتماعی آنان را به همراه دارد. بهارستان (۱۳۶۶) معتقد است که تدریس عبارت است از کاربرد عملی اصولی و تئوری های تعلیم و تربیت در جریان آموزش به منظور کسب مهارت های علمی تدریس و اخذ کفایت و شایستگی های عملی.

در جریان و فرایند تدریس عوامل محیطی بسیار زیادی تاثیرگذار هستند این عوامل محیطی مانند یک شمشیر دو لبه عمل می کند از یک سو عوامل محیطی می توانند دانش آموزان را به سمت پیشرفت و رشد در زمینه های علمی و عملی سوق دهد و از سوی دیگر می تواند زمینه ای برای فروکش کردن استعدادها و از بین بردن شوق و انگیزه دانش آموزان برای ادامه تحصیل نقش داشته باشند. در نتیجه می توان گفت تدریس دو مفهوم دارد زمانی که معلم در کلاس همه کاره است و فراگیر نقش فعال و موثر در تدریس ندارد، و زمانی که مشارکت در فرایند تدریس بیشتر به فراگیران مربوط است و وظایف بین معلم و فراگیر تقسیم می شود در این بین علاوه بر معلم و دانش آموز یک مولفه سومی به نام عوامل محیطی نیز تاثیر گذار بر فرایند یاددهی و یادگیری هست آموزش، یکی از عوامل اساسی در توسعه جوامع و افراد است و کیفیت آموزش تاثیر بسزایی در پیشرفت و بهبود جامعه دارد. یکی از عوامل مهم موثر بر کیفیت آموزش، شرایط محیطی است که در آن فرایند آموزشی صورت می گیرد. شرایط محیطی شامل محیط فیزیکی، فناوری، تجهیزات و امکانات آموزشی و همچنین فرهنگ آموزشی موجود در جامعه می شود. نتایج این تحقیق نشان داد که یکی از مهم ترین عواملی که در طراحی محیط آموزشی باید مورد توجه قرار گیرد، نورپردازی است. نور مناسب در کلاس درس می تواند به بهبود



تمرکز و توجه دانش آموزان کمک کند و در نتیجه، پیشرفت تحصیلی را تسریع کند. همچنین، طراحی صندلی ها و میزها نیز می تواند به تسهیل یادگیری دانش آموزان کمک کند. صندلی ها و میزهای مناسب می توانند به دانش آموزان کمک کنند تا در جایی مناسب و راحت بنشینند و از این راه، تمرکز و توجه آنها را بهبود بخشند و به پیشرفت تحصیلی کمک کنند. برای لحظه ای فکر کنید که کار میکنید یا بهتر یاد میگیرید. شما کجا هستید؟ اتاقی که در آن هستید چگونه است؟ چه کارهایی انجام می دهید تا خود را برای موفقیت آماده کنید؟ همه چیزهایی که اطرافتان را احاطه کرده است، یک فنجان چای عالی، صدای پخش موسیقی یا تلویزیون و... در نحوه کار یا یادگیری شما نقش دارند. همه آنها به محیطی که شما انتخاب می کنید تا به بهترین شکل خود را برای موفقیت آماده کنید، مرتبط هستند. به عنوان یک مربی، همین موضوع در کلاس درس صدق میکند. هدف شما ایجاد محیطی مثبت در کلاس است که دانش آموزان را برای موفقیت آماده کند. اما چند چالش وجود دارد. چگونه می توانید به دانش آموزان کمک کنید، تا احساس امنیت، ارزش و احترام داشته باشند؟ چه کاری میتوانید انجام دهید تا به ایجاد چارچوبی برای شکوفایی روابط مثبت کمک کنید؟ (رحیمی نیا، 1400) محیط یادگیری مثبت در کلاس درس از اساسی ترین عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش و پرورش دانش آموزان است. یک محیط یادگیری مناسب و پویا میتواند تفاوت چشمگیری در انگیزه، علاقه و عملکرد تحصیلی دانش آموزان ایجاد کند. در دنیای امروز که تنوع فرهنگی، نیازهای فردی و استفاده از فناوری های جدید آموزشی بیش از پیش مطرح است، ایجاد یک محیط یادگیری مثبت چالش های خاص خود را دارد. معلمان به عنوان یکی از ارکان اصلی سیستم آموزشی، نقش حیاتی در ایجاد چنین محیطی دارند. آنها باید بتوانند با استفاده از روش های مدیریتی کارآمد، محیطی فراهم کنند که در آن دانش آموزان احساس امنیت، راحتی و انگیزه کنند و بتوانند به طور فعال در فرایند یادگیری مشارکت نمایند. این محیط باید دانش آموزان را تشویق کند تا به بهترین نحو از استعدادها و توانایی های خود استفاده کنند و به رشد تحصیلی و شخصی خود بپردازند. محیط یادگیری مثبت به محیطی اشاره دارد که در آن عواملی مانند حمایت، انگیزه و تحسین برای دانش آموزان فراهم میشود. ایجاد محیط یادگیری مثبت تأثیر قابل توجهی در عملکرد و روحیه دانش آموزان دارد.

ضرورت و اهمیت تحقیق

کاربرد یافته های نقش سازنده محیط امن آموزشی در ارتقای شاخص های کلیدی یادگیری از جهات زیر دارای اهمیت است :



ضرورت بررسی فضای امن کلاس درس از منظر تربیتی، با فرآیند جامعه‌پذیری، رشد عاطفی و شکل‌گیری هویت منسجم در دانش‌آموزان گره خورده است. مدرسه و به ویژه کلاس درس، پس از خانواده، دومین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که فراگیران در آن الگوهای تعاملی، همدلی و زیست جمعی را تمرین می‌کنند. وقتی فضای کلاس درس فاقد تهدیدهای عاطفی باشد، بستر مناسبی برای ارضای نیازهای بنیادین روانی چون تعلق خاطر، پذیرش و احترام متقابل فراهم می‌آید. سیف (۱۳۹۰) در تبیین روانشناسی پرورشی نوین معتقد است رشد اخلاقی و شخصیت سالم فراگیران مستقیماً تحت تاثیر جو عاطفی حاکم بر محیط یادگیری قرار دارد؛ به طوری که در محیط‌های تهدیدآمیز، رفتارهای دفاعی کاذب رشد کرده و فرصت رشد خودآگاهی از دست می‌رود. از این رو، رحیمی نیا (۱۴۰۰) با تاکید بر اهمیت محیط، نشان می‌دهد که فضای پذیرا به دانش‌آموز اجازه می‌دهد تا با شناخت نقاط قوت و ضعف خود، به خودکارآمدی دست یابد. از سوی دیگر، مشارکت در یک فضای امن، مسئولیت‌پذیری اجتماعی را به دنبال دارد. کرمی، تجری و پاکمهر (۱۳۹۹) در بررسی برنامه‌های درسی مهارتی مانند مهارت‌های زندگی، اثبات می‌کنند که تقویت پیوندهای عاطفی و اجتماعی در بستر آموزش سازنده‌گرا، مهارت‌های همزیستی مسالمت‌آمیز و کار گروهی را نهادینه می‌سازد. صیدیمرادی و صیدیمرادی (۱۴۰۳) نیز خاطرنشان می‌کنند که مدیریت کلاس مثبت، فرصتی برای تمرین دموکراسی و مسئولیت‌پذیری است؛ معلمان با وضع قوانین مبتنی بر احترام متقابل، به جای کنترل بیرونی، انضباط درونی را در دانش‌آموزان پرورش می‌دهند. علاوه بر این، در آموزش‌های نوین و حتی از راه دور، جلالی و همکاران (۱۴۰۰) تاکید می‌کنند که پیوندهای تربیتی و اخلاقی باید در بستری امن حفظ شوند تا هویت اجتماعی دانش‌آموز آسیب نبیند. به این ترتیب، ضرورت بررسی این بعد در پیشگیری از رفتارهای ضدا اجتماعی و ترویج بهداشت روان مشخص می‌شود که حقیقی (۱۳۷۳) نیز آن را گذار از قالب‌های صلب به سمت واقعیت تربیت همه‌جانبه توصیف می‌کند.

از منظر تحصیلی، تحلیل و بهبود فضای کلاس درس مستقیماً با کارآمدی نظام آموزشی، افزایش نرخ پیشرفت تحصیلی و کاهش افت ناشی از ترک تحصیل یا شکست‌های پی‌درپی تحصیلی در ارتباط است. کلاس درسی که در آن امنیت روان‌شناختی حکمفرماست، دانش‌آموزان را به حضور فعال و مستمر ترغیب می‌کند و اشتیاق تحصیلی آنان را به شدت افزایش می‌دهد. تقیه (۱۳۹۱) با ارزیابی متغیر محیط آموزشی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، نشان می‌دهد که پویایی محیطی و احساس امنیت کلاسی با نمرات درسی و عملکرد تحصیلی فراگیران همبستگی مثبت و مستقیمی دارد. معلمان در این فضا می‌توانند با آسودگی خاطر بیشتری به اجرای فرآیندهای یاددهی و یادگیری بپردازند؛ چنان‌که سعیدی فر و همکاران (۱۴۰۰) استدلال می‌کنند کیفیت تدریس معلم زمانی می‌تواند به دستاوردهای تحصیلی مطلوب منجر شود که



تنش های کلاسی به حداقل برسد و بستر فیزیکی و روانی همسو با اهداف آموزشی باشند. به این موضوع باید اهمیت ابعاد بصری و شادابی محیط را نیز افزود؛ تاجبخش (۱۳۸۹) نشان می دهد که حتی طراحی مناسب بصری و استفاده از رنگ های محرک، انگیزه تحصیلی و پایداری توجه دانش آموز را تقویت می کند. از سوی دیگر، خادمیان قادیکلایی و همکاران (۱۴۰۱) با بررسی دانش اثربخشی معلم معتقدند معلمان کارآمد با بهره گیری از مدیریت کلاسی ایمن، استانداردهای تحصیلی بالاتری را بدون ایجاد استرس و فرسودگی تحصیلی در دانش آموزان به دست می آورند. عباسی و همکاران (۱۴۰۲) نیز در معرفی استراتژی های ایجاد محیط سازنده تصریح می کنند که پیوند ساختاریافته میان رفتارهای معلم و تعاملات مثبت همسالان، مسیر پیشرفت تحصیلی را هموار کرده و انگیزه پیشرفت درونی را جایگزین فشارهای ناشی از آزمون های مقایسه ای و نمره گرایی افراطی می سازد. بنابراین، توجه به این بعد برای ارتقای بازدهی کمی و کیفی نظام های آموزشی یک ضرورت غیرقابل انکار است.

شاید بتوان گفت بنیادی ترین بعد ضرورت بررسی فضای امن کلاس درس، بعد شناختی آن است که مستقیماً با سیستم عصبی، ظرفیت پردازش ذهنی و فرایندهای عالی شناخت سرکار دارد. از نظر عصب شناختی و روانشناسی شناختی، زمانی که فرد احساس خطر یا اضطراب می کند، هورمون های استرس فعال شده و عملکرد لوب پیش پیشانی که مرکز پردازش های عالی، حل مسئله و تصمیم گیری است را مختل می کنند. سیف (۱۳۹۰) در تبیین روانشناسی پرورشی نوین توضیح می دهد که یادگیری شناختی پایدار تنها زمانی رخ می دهد که حافظه فعال فراگیر با اضطراب و افکار مزاحم ناشی از محیط ناامن پر نشده باشد. از این رو، رحیمی نیا (۱۴۰۰) در تحلیل چرایی اهمیت محیط استدلال می کند که یک کلاس درس امن، بار شناختی بیرونی و مخل را کاهش داده و تمام ظرفیت پردازش فراگیر را معطوف به ساختارهای یادگیری می کند. کرمی، تجری و پاکمهر (۱۳۹۹) نشان می دهند که در محیط های یادگیری سازنده گرا، دانش آموزان تشویق به تفکر انتقادی، بازسازی فرضیه ها و یادگیری خودراهبر می شوند که همگی از عالی ترین کارکردهای شناختی انسان هستند. شعبانی (۱۳۹۹) نیز در بحث روش ها و فنون تدریس بیان می کند که به چالش کشیدن ذهن دانش آموزان و سوق دادن آن ها به سمت تفکر واگرا، نیازمند فضایی است که در آن «اشتباه شناختی» به عنوان بخشی طبیعی از حل مسئله به رسمیت شناخته شود. صیدیمرادی و صیدیمرادی (۱۴۰۳) با بررسی اثر مدیریت کلاسی مثبت معتقدند که کاهش تهدید و ترویج ابراز ایده، به ذهن اجازه می دهد از قالب های همگرا خارج شده و به کشف ناشناخته ها بپردازد؛ فرآیندی که هسته اصلی خلاقیت و نوآوری است. در نهایت، عباسی و همکاران (۱۴۰۲) در جمع بندی استراتژی های محیط های سازنده یادآور می شوند که امنیت روان شناختی، ساختارهای شناختی دانش آموزان را انعطاف پذیرتر کرده و به آن ها اجازه می دهد



تا آموخته های خود را به موقعیت های جدید زندگی تعمیم دهند؛ پدیده ای که حقیقی (۱۳۷۳) آن را تحول واقعی در تفکر و عبور از الگوهای حفظی می داند.

روش شناسی

این پژوهش از منظر هدف، توسعه ای-کاربردی و از منظر روش، یک مطالعه کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی است. داده های مورد نیاز از طریق مرور نظام مند اسناد و متون معتبر گردآوری و تحلیل شده اند.

- قلمرو پژوهش: کلیه مقالات علمی-پژوهشی، کتب مرجع دانشگاهی و پایان نامه های دکتری و ارشد مرتبط با موضوعات رویکرد نقش سازنده محیط امن آموزشی در ارتقای شاخص های کلیدی یادگیری دانش آموزان است.
- پایگاه های اطلاعاتی: برای جستجوی منابع از پایگاه های معتبر داخلی شامل پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، مگیران (Magiran)، نورمگز (Noormags) و پرتال جامع علوم انسانی استفاده شد.
- بازه زمانی: منابع منتشر شده بین سال های 1373 تا 1403 شمسی ملاک انتخاب قرار گرفتند.
- کلیدواژه های جستجو: فضای امن کلاس درس، امنیت روان شناختی، مشارکت دانش آموزان، خلاقیت، یادگیری اثربخش، تعامل معلم-دانش آموز.
- پس از غربالگری اولیه 12 منبع کلیدی و اصلی که به صورت عمیق به ابعاد مختلف موضوع پرداخته بودند، انتخاب و محتوای آن ها با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون، طبقه بندی و ترکیب گردید.

پیشینه پژوهش

زمردی و همکاران (1400) در تحقیقی به بررسی تاثیر محیط مدرسه و گروه همسالان بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره متوسطه دوم پرداختند. نتایج مطالعه نشان داد که محیط مدرسه و نفوذ همسالان کمک قابل توجهی به عملکرد تحصیلی دانش آموزان دارد. مدرسه به عنوان یک محیط آموزشی و به عنوان خانه دوم برای فراگیران، رابطه قوی با



عملکرد تحصیلی دانش آموزان دارد. مدیر و معلمان از طریق نقش های خاص خود بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان تاثیر منفی یا مثبت دارند. بنابراین مدیر و معلمان باید یک محیط یادگیری مساعد را ایجاد کنند، که در آن فراگیران آزاد باشند. تا در صورت نیاز با آنها مشورت کنند، امکانات یادگیری کافی را فراهم کنند و علاقه یادگیرندگان را به تلاش بیشتر برانگیزند. گروه همسالان نیز با عملکرد تحصیلی دانش آموزان رابطه معنی داری دارد. یافته های این مطالعه برای معلمان، مدیران و والدین برای آگاهی بیشتر از عوامل روانی اجتماعی موثر بر تحصیل دانش آموزان مفید باشد. کمالی و همکاران (1396) در تحقیقی به بررسی تاثیر محیط و عوامل آموزشی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پرداختند. دیگر بسیاری از عواطف، عادات، سلايق و حتی طرز نگرش ها و نشست و برخاست ها به گونه ای شگرف از محیط تاثیر می پذیرد. آموزش و به تبع آن محیط های آموزشی بیشترین اثر و نقش را بر ذهنیت و تمدن سازی جوامع به عهده دارند. لازمه اصلاح پیکره آموزش و پرورش، ایجاد فضاهای مرتبط با فعالیت دانش آموزان است؛ فضاهایی که دارای شرایط مناسب و مطلوب برای رشد فیزیکی ذهنی، عاطفی و اجتماعی کودکان می باشد که تحقق این امر از طریق طراحی جزییات فضاها با توجه به الگوهای رفتاری دانش آموزان امکان پذیر می باشد.

پژوهشگران با مطالعه الگوهای رفتاری محصلین محیط های آموزشی به مواردی موثر، از قبیل اندازه مدرسه، نورپردازی و... که نقش چشمگیری در افزایش یادگیری دارند. فتحی و همکاران (1394) در تحقیقی به بررسی تاثیر فضای فیزیکی مدارس بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع ابتدایی پرداختند. نتایج نشان داد که اگر چه رابطه معناداری بین متغیرهای فیزیکی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان وجود ندارد ولی این متغیرها بر نگرش معلم تاثیرگذار است.

یافته ها

آموزش و پرورش، کلید فتح آینده است و از دیر باز انتظار از آموزش و پرورش آن بوده که انسان های فردا را تربیت کند و نسل امروز را برای زندگی در جامعه ای فردا آماده سازد. رسالت آموزش و پرورش، توان بخشیدن به فرد فرد انسان ها در جهت توسعه ای کامل استعداد های خود و نیز شناخت توانمندی های خلاق خود است و بهر مگیری صحیح از سیاست های اصلاحی به دور از هر گونه افراط و تفریط و یا تعصب کورکورانه می تواند دگرگونی های مثبتی را در سیستم آموزشی ایجاد کند. کوشش در جهت اصلاحات آموزش و پرورش، مشروط بر ایجاد هماهنگی در لایه های مختلف نظام آموزش،

قرین با توفیق خواهد بود. اجرای یک برنامه مبتنی بر طراحی کیفیت آموزش و پرورش، مستلزم اطلاعات آموزشی جدید می باشد و تقویت تصمیم گیری توسط افراد و مقامات، مستلزم تعیین مجدد اختیارات و مسئولیت های آموزشی خواهد بود. نهایتاً این که حتی اگر به یک نظام اطلاعات آموزشی به خوبی طراحی و اجرا گردد، آثار آن بر کیفیت آموزشی به واسطه ی زمینه ی سازمانی که در آن عمل می کند، تعیین خواهد شد

مفهوم شناسی فضای امن کلاس درس و سازوکارهای مدیریت تعاملی معلم

بررسی ادبیات پژوهش در حوزه علوم تربیتی نشان می دهد که مفهوم امنیت روان شناختی در کلاس درس، ریشه در نظریه های نوین یادگیری و روان شناسی رشد دارد. فضای امن کلاس درس به محیطی اطلاق می شود که در آن نیازهای اساسی دانش آموزان، به ویژه نیاز به بقا، عشق و تعلق خاطر، قدرت، آزادی و تفریح، به شیوه ای متوازن ارضا می شوند. سیف (۱۳۹۰) در تبیین دیدگاه های روان شناسی پرورشی نوین مطرح می کند که هرگونه احساس تهدید عاطفی یا تحقیر اجتماعی در کلاس درس، سیستم دفاعی مغز فراگیر را فعال کرده و مانع از کارکرد بهینه بخش های عالی مغز یعنی قشر پیش پیشانی می شود که مسئول تفکر انتزاعی، حل مسئله و تصمیم گیری است. از این رو، ایجاد امنیت روانی تلاشی تفننی یا حاشیه ای نیست، بلکه ضرورت اساسی برای شروع پردازش اطلاعات شناختی به شمار می رود. رحیمی نیا (۱۴۰۰) در تحلیل چرایی اهمیت محیط یادگیری استدلال می کند که اتمسفر حاکم بر کلاس درس سیگنال های مداومی را به دانش آموز ارسال می کند؛ اگر این سیگنال ها حاوی پیام های پذیرش، ارزشمندی و احترام باشند، دانش آموز انرژی روانی خود را به جای دفاع از خود، صرف اکتشاف شناختی می کند. در این میان، نقش مدیریت کلاس درس توسط معلم برجسته می شود. صیدیمرادی و صیدیمرادی (۱۴۰۳) با بررسی شیوه های مدیریت کلاس معتقدند که شیوه های سنتی و مستبدانه مدیریت که بر پایه ترس، جرمه و کنترل بیرونی استوار هستند، شاید در کوتاه مدت نظم ظاهری ایجاد کنند، اما در بلندمدت امنیت روانی را نابود کرده و مانع رشد خودانگیختگی فراگیران می شوند. در مقابل، مدیریت کلاس مثبت و تعاملی بر پایه رابطه همدلانه، تعیین مرزهای مشخص اما منعطف و مشارکت دادن دانش آموزان در تصمیم گیری های کلاسی شکل می گیرد.

معلم در این الگو نه یک ناظم سخت گیر، بلکه یک تسهیل گر عاطفی و شناختی است که فضا را برای بیان آزادانه نظرات آماده می سازد. سعیدی فر و همکاران (۱۴۰۰) در تبیین نقش معلم در فرآیند یاددهی و یادگیری، یادآور می شوند که الگوهای رفتاری معلم، لحن صدا، بازخوردهای کلامی و غیرکلامی و شیوه مواجهه او با اشتباهات دانش آموزان، مولفه های اصلی سازنده فضای کلاس هستند. زمانی که معلم اشتباه را نه به عنوان نشانه ناتوانی، بلکه به عنوان یک

فرصت یادگیری ارزشمند تلقی می‌کند، فرهنگ «ریسک‌پذیری شناختی» در کلاس نهادینه می‌شود. خادیمان قادی‌کلایی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود پیرامون دانش اثربخشی معلم نشان می‌دهند که معلمان اثربخش کسانی هستند که توانایی بالایی در تنظیم هیجانی کلاس دارند؛ آن‌ها می‌توانند تنش‌های بین‌فردی را به سرعت شناسایی و مدیریت کنند و اجازه ندهند تعارضات گروهی به امنیت روانی دانش‌آموزان آسیب برساند. این توانمندی ارتباط مستقیمی با دانش حرفه‌ای و مهارت‌های میان‌فردی معلمان دارد که شعبانی (۱۳۹۹) آن را از وظایف محوری و مهارت‌های فنی و انسانی معلمان کارآمد می‌داند. در کلاس‌های درس سنتی، تمرکز عمدتاً بر انتقال یک‌طرفه اطلاعات بود، اما در پارادایم‌های نوین، کلاس درس به عنوان یک جامعه یادگیری کوچک تعریف می‌شود که در آن همه اعضا حق اظهار نظر و مشارکت دارند. این رویکرد حتی در شرایط آموزش غیرحضوری نیز اهمیت خود را حفظ می‌کند. جلالی و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه خود پیرامون نقش معلمان در کلاس‌های درس آموزش از راه دور تصریح می‌کنند که در غیاب حضور فیزیکی، احساس انزوا و ناامنی عاطفی دانش‌آموزان افزایش می‌یابد؛ بنابراین معلمان باید با بهره‌گیری از ابزارهای ارتباطی آنلاین، تالارهای گفتگو و بازخوردهای شخصی‌سازی‌شده، پیوندهای عاطفی را تقویت کرده و کلاس مجازی را به فضایی گرم و پذیرا تبدیل نمایند. علاوه بر این، ابعاد فیزیکی محیط نیز نباید مغفول واقع شود. تقیه (۱۳۹۱) با تحلیل تأثیر محیط آموزشی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، اشاره می‌کند که چیدمان صندلی‌ها به صورت دایره‌ای یا گروهی، نور کافی، تهویه مناسب و حتی رنگ‌آمیزی دیوارها که تاجبخش (۱۳۸۹) به تأثیر شگرف آن بر تفکر و خلاقیت اشاره دارد، همگی در انتقال حس آرامش و امنیت روانی دخیل هستند. در نهایت، عباسی و همکاران (۱۴۰۲) با ارائه استراتژی‌های مؤثر برای ایجاد محیط یادگیری سازنده، تأکید دارند که هماهنگی میان مولفه‌های فیزیکی، روانی و روش‌های مدیریتی معلم، بستری یکپارچه ایجاد می‌کند که در آن دانش‌آموز احساس می‌کند هویت او به رسمیت شناخته شده و در امان است. حقیقی (۱۳۷۳) نیز معتقد است حرکت از الگوهای سنتی کنترل به سمت روابط تسهیل‌گرانه، گامی ضروری در پاسخ به نیازهای واقعی جامعه فرداست.

نقش امنیت روانی در ارتقای مشارکت فعال و مسئولیت‌پذیری اجتماعی فراگیران

مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های کلاسی یکی از شاخص‌های اصلی پویایی نظام آموزشی است، اما این مشارکت به خودی خود اتفاق نمی‌افتد، بلکه نیازمند بستری است که در آن ترس از شکست و قضاوت منفی همسالان به کمترین میزان ممکن رسیده باشد. در محیط‌های سنتی که مبتنی بر رقابت شدید و ارزیابی‌های مقایسه‌ای مداوم هستند، دانش‌آموزان به ویژه کسانی که از اعتماد به نفس کمتری برخوردارند، ترجیح می‌دهند سکوت پیشه کنند تا از تحقیر احتمالی در امان



بمانند. سیف (۱۳۹۰) با تحلیل نظریه های انگیزشی بیان می کند که انگیزه درونی فراگیران برای مشارکت فعال، رابطه مستقیم با احساس کارآمدی و تعلق خاطر آن ها دارد. وقتی کلاس درس به عنوان یک فضای امن روان شناختی بازتعریف می شود، دانش آموزان درمی یابند که ارزش فردی آن ها به نمرات یا پاسخ های همیشه درست گره نخورده است. رحیمی نیا (۱۴۰۰) در تبیین ضرورت محیط های یادگیری پویا استدلال می کند که مشارکت فعال زمانی شکل می گیرد که دانش آموز محیط را پاسخگو، پذیرا و حمایتگر بباید؛ در چنین محیطی، او مسئولیت یادگیری خود را بر عهده می گیرد و از نقش یک منفعل شنونده به یک کنشگر فعال تبدیل می شود. کرمی، تجری و پاکمهر (۱۳۹۹) در پژوهش خود نشان دادند که استفاده از محیط های یادگیری سازنده گرا راهکاری اساسی برای ارتقای اثربخشی برنامه های درسی مهارتی مانند مهارت های زندگی است؛ چرا که در این محیط ها، یادگیری از طریق کار گروهی، حل مسئله تعاملی و گفتگوهای سقراطی انجام می شود و دانش آموزان در یک اتمسفر عاری از تهدید، مهارت های ارتباطی و مسئولیت پذیری اجتماعی را تمرین می کنند. این امر مستلزم آن است که معلمان از روش های تدریس سنتی فاصله گرفته و به سمت روش های مشارکتی حرکت کنند. شعبانی (۱۳۹۹) در تبیین فنون تدریس تعاملی یادآور می شود که معلمان باید کلاس را به گونه ای سازماندهی کنند که کار گروهی و همفکری میان دانش آموزان تسهیل شود. در این مسیر، صیدیمرادی و صیدیمرادی (۱۴۰۳) مدیریت کلاس را ابزاری برای تنظیم روابط اجتماعی بین دانش آموزان می دانند؛ به این معنا که معلم با وضع قوانین عادلانه و ترویج فرهنگ احترام متقابل، مانع از رفتارهای قلدرمآبانه یا طرد اجتماعی برخی از دانش آموزان توسط دیگران می شود. زمانی که دانش آموزان ضعیف تر مطمئن باشند که در صورت اشتباه کردن، مورد تمسخر همسالان قرار نمی گیرند و معلم از آن ها حمایت می کند، با شجاعت بیشتری در بحث های کلاسی شرکت می کنند.

سعیدی فر و همکاران (۱۴۰۰) نیز بر این نکته صحنه می گذارند که نقش حمایتی معلم، موتور محرک مشارکت دانش آموزان در فرآیند یاددهی و یادگیری است. این سطح از مشارکت حتی در بستر فناوری های نوین آموزشی نیز قابل ردیابی است. جلالی و همکاران (۱۴۰۰) در تحلیل آموزش از راه دور معتقدند معلمان کارآمد معلمان کلاس های مجازی را به گونه ای طراحی می کنند که فرصت های برابر برای ابراز وجود همه دانش آموزان فراهم شود و تعاملات افقی میان همسالان شکل بگیرد. خادیمیان قادیکلایی و همکاران (۱۴۰۱) با ارزیابی متغیر دانش اثربخشی معلمان، دریافتند که توانایی معلم در تشویق دانش آموزان به مشارکت فعال و ایجاد حس مسئولیت پذیری در قبال یادگیری گروهی، همبستگی بالایی با دستاوردهای شناختی و عاطفی آن ها دارد. علاوه بر این، تقیه (۱۳۹۱) نشان می دهد که ارتقای مشارکت دانش آموزان در کلاس، مستقیماً به بهبود نگرش آن ها نسبت به مدرسه و در نتیجه افزایش پیشرفت تحصیلی می انجامد.



عباسی و همکاران (۱۴۰۲) نیز در معرفی استراتژی‌های ایجاد محیط سازنده، بر نقش تسهیل‌گرانه تعاملات کلاسی تاکید کرده و یادآور می‌شوند که مشارکت فعال نه تنها یادگیری را عمیق‌تر می‌کند، بلکه به شکل‌گیری هویت اجتماعی مثبت و خودآگاهی در دانش‌آموزان کمک شایانی می‌نماید؛ روندی که حقیقی (۱۳۷۳) آن را گذار از قالب‌های صلب آموزشی به سمت واقعیت‌های رشد همه‌جانبه دانش‌آموز می‌نامد.

تبیین رابطه فضای امن روان‌شناختی با تفکر واگرا و شکوفایی خلاقیت

خلاقیت به عنوان یکی از عالی‌ترین سطوح شناختی، نیازمند ذهنی رها، کنج‌گاو و بدون مرزهای تحمیلی ناشی از اضطراب است. اندیشمندان حوزه آموزش بر این باورند که تفکر واگرا یعنی توانایی تولید ایده‌های متعدد، متنوع و اصیل برای یک مسئله، تنها در بستری رشد می‌کند که در آن نوآوری تشویق شده و شکست به عنوان بخشی طبیعی از فرآیند خلاقیت پذیرفته شود. سیف (۱۳۹۰) در تبیین روانشناسی پرورشی نوین یادآور می‌شود که ارزیابی‌های سفت و سخت، انتظارات غیرقابل انعطاف و تمرکز مفرط بر پاسخ‌های تک‌گزینه‌ای و همگرا، از عوامل اصلی سرکوب خلاقیت در مدارس هستند. وقتی دانش‌آموز همواره نگران کسب نمره کامل یا انطباق بی‌چون‌وچرا با افکار معلم باشد، از مسیرهای فکری خلاقانه دوری جسته و به تکرار آموخته‌های قبلی بسنده می‌کند. رحیمی نیا (۱۴۰۰) با تحلیل نقش محیط یادگیری مطرح می‌کند که محیط امن عاطفی و شناختی، کاتالیزور اصلی تفکر خلاق است؛ زیرا به دانش‌آموز شجاعت فکری لازم برای به چالش کشیدن فرض‌های موجود را می‌دهد. از جنبه زیبایی‌شناختی و فیزیکی محیط نیز، تاجبخش (۱۳۸۹) در پژوهش خود در زمینه اثر رنگ‌ها بر تفکر و خلاقیت نشان می‌دهد که محرک‌های محیطی بصری مانند ترکیب‌بندی رنگی کلاس و پویایی دکوراسیون، ذهن را فعال کرده و به آزدسازی ظرفیت‌های خلاقانه فراگیران کمک می‌کند. کرمی، تجری و پاکمهر (۱۳۹۹) در بررسی محیط‌های یادگیری سازنده‌گرا به این نتیجه رسیدند که وقتی به دانش‌آموزان اجازه داده می‌شود پروژه‌های یادگیری خود را بر اساس علایق خود طراحی و اجرا کنند، خلاقیت آن‌ها به اوج می‌رسد؛ زیرا این ساختار منعطف و حمایتی، ترس از قضاوت‌های بیرونی را کاهش می‌دهد. در این راستا، معلمان با استفاده از روش‌های تدریس نوین و مهارت‌های آموزشی کارآمد که شعبانی (۱۳۹۹) بر آن‌ها تاکید دارد، می‌توانند جلسات طوفان فکری، بازی‌های خلاق و حل مسئله‌های بازپاسخ را در کلاس اجرا کنند. صیدیمرادی و صیدیمرادی (۱۴۰۳) استدلال می‌کنند که مدیریت کلاس مثبت باید بستری برای تفاوت‌های فردی فراهم کند؛ کلاسی که در آن رفتارهای نامتعارف شناختی یا ایده‌های عجیب دانش‌آموزان با روی گشاده پذیرفته می‌شود، روحیه جستجوگری را تقویت می‌نماید. سعیدی فر و همکاران (۱۴۰۰) نیز بر نقش هدایت‌گر معلم در جهت‌دهی به این پتانسیل‌های خلاق تاکید می‌کنند. از سوی دیگر، در



دنیای دیجیتال امروز، فناوری ابزارهای نوینی برای ابراز خلاقیت فراهم آورده است؛ جلالی و همکاران (۱۴۰۰) خاطرنشان می‌سازند که معلمان در بستر آموزش‌های از راه دور می‌توانند با تعریف پروژه‌های چندرسانه‌ای و کارهای خلاقانه آنلاین، فضایی برای خوداظهاری دانش‌آموزان فراهم کنند.

خادمیان قادیکلایی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود نشان دادند که معلمان اثربخش با فراهم کردن بازخوردهای توصیفی سازنده به جای بازخوردهای ارزشیابانه مطلق، انگیزه درونی دانش‌آموزان را برای نوآوری حفظ می‌کنند. تقیه (۱۳۹۱) نیز بر این باور است که مدارس خلاق مدارسی هستند که محیط آموزشی آن‌ها فرصت اکتشاف آزادانه را به دانش‌آموزان می‌دهد و این امر مستقیماً پیشرفت تحصیلی غیرکلیشه‌ای آن‌ها را تضمین می‌کند. عباسی و همکاران (۱۴۰۲) در نهایت با جمع‌بندی استراتژی‌های ایجاد محیط سازنده در کلاس، استدلال می‌کنند که خلاقیت یک توانایی ذاتی و ثابت نیست، بلکه محصول تعامل مداوم یادگیرنده با یک محیط غنی، امن و برانگیزاننده است. حقیقی (۱۳۷۳) نیز تاکید دارد که شکستن کلیشه‌های سنتی و حرکت به سمت آموزش خلاق، لازمه خروج از اسطوره‌های ایستای آموزشی و ورود به واقعیت‌های پویای یادگیری مدرن است.

تحلیل فرآیند یادگیری اثربخش و خودراهبر در بسترهای تعاملی و سازنده‌گرا

یادگیری اثربخش فراتر از حفظ طوطی‌وار مطالب و بازپس‌دهی آن‌ها در جلسات امتحان است؛ این نوع یادگیری زمانی محقق می‌شود که دانش‌آموز به درک عمیق، انتقال یادگیری به موقعیت‌های جدید و توانایی یادگیری خودراهبر دست یابد. از منظر نظریه‌های سازنده‌گرایی، دانش‌آموزان اطلاعات جدید را بر اساس تجربیات پیشین خود بازسازی می‌کنند و این بازسازی نیازمند یک گفتگوی درونی عمیق و تعاملات اجتماعی سازنده است. سیف (۱۳۹۰) در کتاب روانشناسی پرورشی نوین توضیح می‌دهد که یادگیری اثربخش زمانی رخ می‌دهد که دانش‌آموزان به طور فعال درگیر فرآیند یادگیری باشند، به خودارزیابی بپردازند و استراتژی‌های فراشناختی خود را تقویت کنند. خلق چنین شرایطی نیازمند یک محیط آموزشی است که در آن اشتباهات به عنوان بخشی از مسیر تکامل دانش تلقی شوند. رحیمی نیا (۱۴۰۰) در واکاوی اهمیت محیط یادگیری نشان می‌دهد که کلاس‌های تعاملی و پذیرا به دانش‌آموزان اجازه می‌دهند تا نظریه‌های ذهنی خود را بدون ترس از شکست فرضی آزمایش کنند. کرمی، تجری و پاکمهر (۱۳۹۹) در این زمینه اثبات کردند که ارتقای اثربخشی برنامه‌های درسی از طریق خلق محیط‌های یادگیری سازنده‌گرا، توانایی حل مسئله و تفکر انتقادی دانش‌آموزان را به شدت ارتقا می‌دهد؛ زیرا در این محیط‌ها، تمرکز از آموزش معلم‌محور به یادگیری دانش‌آموز‌محور تغییر می‌یابد.



در این بستر، مهارت‌های تدریس معلم نقش کلیدی دارد؛ شعبانی (۱۳۹۹) فنون تدریس هدایت‌شده را به عنوان ابزاری برای داربست‌بندی شناختی دانش‌آموزان معرفی می‌کند که به آن‌ها کمک می‌کند به آرامی مسئولیت یادگیری خود را بر عهده بگیرند. صیدیمرادی و صیدیمرادی (۱۴۰۳) نیز معتقدند مدیریت کلاسی که استقلال فراگیران را تشویق می‌کند، به شکل‌گیری یادگیری خودراهبر یاری می‌رساند. دانش‌آموزانی که در یک محیط امن تحصیل می‌کنند، به دلیل برخورداری از خودکارآمدی بالاتر، در مواجهه با وظایف یادگیری دشوار، پایداری بیشتری از خود نشان می‌دهند. سعیدی فر و همکاران (۱۴۰۰) در تحلیل فرآیند یاددهی و یادگیری اشاره می‌کنند که معلم با ایجاد پل‌های ارتباطی بین مفاهیم درسی و تجربیات واقعی زندگی دانش‌آموزان، یادگیری را معنادار و اثربخش می‌سازد. این اثربخشی در آموزش مجازی نیز چالش‌های خاص خود را دارد؛ جلالی و همکاران (۱۴۰۰) نشان می‌دهند که معلمان با طراحی مسیرهای یادگیری شخصی‌سازی‌شده و ارائه راهنمایی‌های مستمر در بستر آموزش از راه دور، می‌توانند به تعمیق یادگیری کمک کنند.

خادمیان قادیکلایی و همکاران (۱۴۰۱) با تاکید بر دستاوردهای دانش‌آموزان بیان می‌کنند که اثربخشی کارآمد معلم مستقیماً در کیفیت یادگیری فراگیران و پایداری دانش کسب‌شده منعکس می‌شود. از سوی دیگر، تقیه (۱۳۹۱) یادآور می‌شود که پیشرفت تحصیلی واقعی تنها زمانی سنجش‌پذیر است که یادگیری به تغییر رفتار و بینش دانش‌آموز منجر شود، که این خود حاصل یک محیط آموزشی یکپارچه و بهینه است. عباسی و همکاران (۱۴۰۲) با تمرکز بر استراتژی‌های محیط سازنده کلاسی، بر این باورند که یادگیری اثربخش محصول تلفیق ابعاد عاطفی (احساس امنیت و ارزش)، ابعاد اجتماعی (تعامل با همسالان و معلم) و ابعاد شناختی (چالش‌های ذهنی مناسب) است. حقیقی (۱۳۷۳) نیز در نهایت متذکر می‌شود که دستیابی به این سطح از یادگیری پویا، مستلزم پذیرش واقعیت‌های نوین روانشناسی تربیتی و عبور از ساختارهای ناکارآمد آموزشی گذشته است تا بدین ترتیب زمینه رشد همه‌جانبه فراگیران فراهم آید.

محیط یادگیری مثبت

داشتن یک محیط یادگیری مثبت به چیزی بیشتر از داشتن یک کلاس درس با پوستره‌های مثبت روی دیوار نیاز دارد. داشتن قوانین کلاسی به وضوح تعیین شده به ایجاد یک محیط آموزشی سالم کمک می‌کند، که در آن دانش‌آموزان بدانند که از آنها چه انتظاری می‌رود. وجود آن ساختار به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا احساس امنیت کنند، به شما امکان می‌دهد واقعاً نیازهای آنها را درک کنید و رفاه مثبت را ارتقا دهید. این برای دانش‌آموزان در تمام سطوح- ابتدایی، راهنمایی و



دبیرستان نیز صدق میکند! (رحیمی نیا، 1400) داشتن یک محیط یادگیری مثبت در محل نیاز به تفکر و توجه زیادی دارد، اما مزایای عمده ای وجود دارد که برای کار سختی که انجام می شود نتیجه خواهد داد. مثال: تحقیقات نشان داده است که عملکرد تحصیلی احتمالاً افزایش می یابد دانش آموزان به احتمال زیاد از سایر دانش آموزان دارای معلولیت حمایت خواهند کرد افزایش تعاملات مثبت بین دانش آموزان، کارکنان و والدین، سرپرست ها وجود خواهد داشت والدین قدر دانی خواهند کرد که شما به همان اندازه که پیشرفت دانش آموزان را جدی می گیرید، سلامت روان آنها را نیز جدی می گیرید. احتمال بیشتری وجود دارد که دانش آموزان تجربه یادگیری خود را در اختیار بگیرند (که به عنوان یادگیری خود تنظیمی نیز شناخته می شود) با ایجاد محیطی مناسب برای رشد دانش آموزان، از همان هفته اول، لحن یک سال تحصیلی عالی را تنظیم خواهید کرد. (رحیمی نیا، 1400) داشتن یک محیط یادگیری مثبت در محل نیاز به تفکر و توجه زیادی دارد، اما مزایای عمده ای وجود دارد که برای کار سختی که انجام میشود، نتیجه خواهد داد.

فضاهای آموزشی به دلیل محدودیت های خاص خود برای خشک و بی روح شدن مستعد است اما باید تمام تلاش ها را به کار گرفت تا از وقوع این حادثه جلوگیری کرد. اهمیت دادن به فضاهای آموزشی و رعایت اصول و استانداردهای مربوط به آن در طراحی این مراکز منجر به خلق محیطی متناسب با خواسته های روانی دانش آموزان و در نتیجه جامعه می گردد. ریشه علاقه هر دانش آموز به آموختن در مدرسه و قرار گرفتن در محیط آموزشی شکل می گیرد و در صورت ناهماهنگ بودن محیط با انتظارات فرد حس دافعه و عدم علاقه به یادگیری در فراگیر شکل می گیرد. شکل و چیدمان کلاس ها، رنگ، نور و تهویه، امکانات آموزشی، دکوراسیون داخلی و همه و همه در آموزش پذیری و ایجاد علاقه و رغبت در دانش آموزان مؤثر است. در حال حاضر کمتر ساختمان آموزشی را می توان دید که دارای تمام اسلوب ها و استانداردها باشد اما امید می رود در ساخت بناهای جدید آموزشی این استانداردها رعایت گردد. (فرخ نیا، 1390)

نقش معلم در ایجاد محیط یادگیری موثر

معلم، نقش کلیدی برای فراهم کردن محیط مناسب برای دانش آموزان دارد، زیرا سال های اول مدرسه برای دانش آموزان بسیار مهم است. معلم باید احترام، مراقبت و بدل به یک الگوی شود. او در مقابل باید یک محیط دلپذیر برای شاگردان فراهم کرده، با آنها درست رفتار کند و آنها را از طریق جاده موفقیت راهنمایی کند. یک معلم خوب کمک می کند تا دانش آموز توانایی های خودش را کشف کرده و به یک انسان بهتر بدل شود و سر آخر در ارزش آفرینی در جامعه سهم داشته باشد. بنا بر این وظیفه معلم است که توانایی هایش را در این کشور به کار گیرد. آینده کشور را روشن کند.



معلم، مسئولیت بزرگی را در صنفش بر عهده دارد. یک دلیل این است که روند تحصیلی همه دانش آموزان به او بستگی دارند. هر آنچه معلم می گوید تأثیر ژرفی روی دانش آموزان دارد و حتی احساسات (اعم از پرخاشگری و یا عطوفت) معلم در هنگام تدریس میتواند روی روان دانش آموزانش تأثیر عمیقی بگذارد. نقشی که معلم بازی میکند به یک مؤلفه بسیار مهم بدل شده است، در واقع میتوان گفت که او سازندهی بی مناقشه ملت است. معلم در کنار والدین دانش آموز اندر القای ارزش، نگرش و رفتارهایی خاص در آنها از اوان کودکی نقش برآورنده ای دارد. در یک محیط چالش برانگیز، در هر مدرسه یا دانشکده، همه چیز در درجه اول به معلم بستگی دارد. معلم بایستی، درک عمیق اجتماعی و بینش روانشناختی مناسب داشته باشد، تا با فراهم کردن یک رابطه دوستانه و در عین حال آکادمیک، شاگرد در نزد او حساس راحتی داشته باشد و بتواند در موقع نیاز به او مراجعه کند.

از یک سو، نحوه انتقال دانش به شاگرد از موارد بسیار کلیدی رابطه شاگرد - معلم است، معلم بایستی بر علاوه تشویق شاگردان، روش آسانی را برای انتقال دانش مد نظر بگیرد، او بایستی از نقش این دانش در شکوفایی شاگرد در حوزه مربوطه اش آگاه باشد و آن را به شاگرد بیاموزاند. معلم یکی از مهم ترین عناصر ساختار اجتماعی است، بر این مبنا، معلم قهرمان مقدس مدیریت، دارنده واقعی محصول آموزش و پرورش و کلیدی برای موفقیت دانش آموزان است. هر شخصی دوست دارد در موقعیت های مختلف و به خصوص شغل خود، فردی موثر، موفق و مطرح باشد و به او با چشم منفعل، بی تفاوت، تأثیرپذیر صرف، گوشه گیر و نا کارآمد نگاه نشود و تمایل دارد بتواند بر محیط کاری خودش، همکاران، مدیران و مافوقان و غیره تأثیر مثبت بگذارد. اثربخشی معلم نقش مهمی در فرایند یادگیری دارد. یک معلم موثر تصویر نامتحرک از پیش بر ساخته شده را برای دانش آموزان ایجاد نمیکند بلکه به دانش آموزان کمک میکند تا با درک موارد ارزنده در حوزه مربوطه، دیدگاه خودشان را ایجاد کنند. با درک مشکلات دانش آموزان و کمک به آنها، جالب تر کردن هر موضوع، با کنترل کلاس، عادلانه بودن با دانشجویان هنگام برخورد با آنها. اثربخشی معلم افزایش می یابد. این تأثیرگذاری محصول تعدادی از متغیرها است. متغیرهای تحصیلی، تسلط بر موضوع، سطح معنایی، عشق به کودکان، رضایت شغلی، تدریس. تجربه، رشد حرفه ای، سن معلم، تکنیک های مورد استفاده در تدریس و غیره. از بین همه این متغیرها مهم ترین متغیر، دانش، شخصیت و مهم تر از همه نحوه تعامل او با دانش آموزان است. معلمان موثر کسانی هستند که توانایی تحقق نتایج یادگیری مورد نظر را نشان میدهند (سعیدی فر و همکاران، 1400)

نتیجه گیری

بازنگری در مسائل آموزشی نیاز به برنامه ریزی به عنوان یک مهارت، تخصیص منابع مالی، انسانی و کالبدی دارد و ایجاد هر نوع تغییری در مقولات یاد شده مستلزم پژوهش های آموزشی کیفی و میان رشته ای است. همچنین برای ترسیم وضع مطلوب ضرورت دارد دورنمای گسترده تری در نظر گرفته شده و چشم انداز دقیق تری از آینده مدنظر قرار گیرد. در راستای بازنگری و برنامه ریزی برای کیفیت بخشی به امر آموزش شرایط فیزیکی محیط آموزشی نیز در کنار سایر عوامل در کارآمدی و اثربخشی کار نقش مهمی را ایفا می کند. بنابراین پیشنهاد می شود به طراحی فضاهای آموزشی اهمیت ویژه داده شود تا موجبات تسهیل در امر تفکر انتقادی و یادگیری فعال فراهم گردد. در حال حاضر با این که به قرن علوم و تکنولوژی وارد شده ایم، ولی با قدم گذاردن به کلاس های درس، تصور می کنیم که حداقل صد سال به عقب برگشته ایم. در بسیاری از کلاس های درس نمودی از تغییر و تحول مشاهده نمی شود و یا در اکثر آنها به صورت کم رنگ نظاره گر تغییرات آنهم شاید بیشتر صوری و ظاهری می توان بود.

در حالی که می توان گفت بهترین محیط کلاس درس، محیطی است که در آن شاگردان به مهمانانی شبیه هستند که از آنها به خوبی استقبال می شود و معلمان به منزله میزبانان مهمان نواز عمل می کنند. محیط آموزشی باید به گونه ای باشد که علاقه و رغبت را نسبت به سایر محیط ها در دانش آموزان بیشتر ایجاد کند. در قرن حاضر نسبت به این دسته از مسائل در کنار عوامل دیگر نه به صورت سطحی و گذرا بلکه به طور اساسی و بنیادی باید برخورد کرد. البته این هم نیازمند همت والای تمام دست اندرکاران مسائل آموزشی است زیرا که مسائل آموزشی ما و از آن جمله فضاهای آموزشی تا رسیدن به استانداردهای مطلوب راهی بس طولانی در پیش دارند. از نظر عوامل فیزیکی محیط یادگیری و تاثیر آن در روند آموزش در سال های اخیر مباحثی مطرح شده و خوشبختانه گام های اولیه برداشته شده است، اما نیاز به پی گیری و جدیت بیشتری احساس می شود. در این رابطه، نقش مدیران و معلمان مدارس بسیار اساسی و پررنگ تر از سایر عوامل است زیرا آنها می توانند با در نظر گرفتن سلیقه ها و نیازهای دانش آموزان تغییراتی را در محیط مدرسه ایجاد نمایند به نحوی که دانش آموزان احساس رضایت کنند و دلبستگی بیشتری به حضور در محیط مدرسه داشته باشند. البته برای مدارس جدید در نظر گرفتن مسائل مربوط به روانشناسی محیط نیز ضرورت تام دارد. معلمان نقش مهمی در اجرای برنامه های آموزش و پرورش در سطح یک جامعه دارند. این نقش با سطح کارایی معلمان در عملکرد کار در جایی که منابع آموزشی کمیاب هستند، به چالش کشیده می شود. معلمان با استفاده بهینه از منابع موجود در تولید حداقل بازده با



چالش هایی روبه رو هستند. تحقق کار آموزشی در مدارس یک فعالیت پیچیده است. مشکلات دستیابی به کار آموزشی در مدارس در این واقعیت قرار دارد که آموزش مقوله ای است که به افراد مربوط می شود. که هریک از افراد ویژگی های خاصش را دارند که در آن صورت با یکدیگرم تفاوت است، رویکردآموزشی برای همه متفاوت است و متفاوت اجرا می شود.

ایجاد محیط یادگیری مثبت در کلاس درس نیازمند ترکیبی از راهکار های مدیریتی است که به دانش آموزان کمک میکند تا احساس راحتی، امنیت، انگیزه و علاقه مندی به یادگیری داشته باشند. این راهکارها شامل تعیین قوانین و انتظارات واضح، برقراری ارتباط موثر، تشویق و تقویت مثبت، مدیریت زمان و برنامه ریزی، ایجاد محیط فیزیکی مناسب، توجه به نیازهای فردی، ترویج همکاری و کار گروهی، استفاده از فناوری های آموزشی، ارتقای مهارت های اجتماعی و عاطفی و ارائه بازخورد سازنده است. با اجرای این راهکارها، معلمان میتوانند محیطی مثبت و انگیزشی برای یادگیری دانش آموزان ایجاد کنند که نه تنها به بهبود عملکرد تحصیلی آنان کمک میکند بلکه به رشد شخصی و اجتماعی آنان نیز یاری میرساند. جاد فضای مثبت در کلاس درس مستلزم توجه به عوامل مختلفی از جمله نحوه تعامل معلم با دانش آموزان، ایجاد فرصت های همکاری و تعامل، طراحی محیط فیزیکی مناسب، و ترویج یادگیری مبتنی بر علاقه و خلاقیت است. با اجرای راهکارهای مطرح شده در این مقاله، معلمان میتوانند محیطی جذاب، حمایتی و انگیزشی برای دانش آموزان فراهم کنند که منجر به بهبود یادگیری و رشد همهجانبه آنان شود.

منابع

1. تاجبخش، فرزانه. (۱۳۸۹). اثر رنگ ها بر تفکر و خلاقیت. برگرفته از کتاب روانشناسی رنگ ها.
2. تقیه، نرجس خاتون. (۱۳۹۱). محیط آموزشی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. اردیبهشت ۱۳۹۱.
3. جلالی، پروین؛ انصاری فرد، پریسا؛ صدیق، صدیقه و محمدزاده، فاطمه. (۱۴۰۰). نقش معلمان در کلاس های درس آموزش از راه دور. اولین کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت، بندرعباس.
4. حقیقی، سیاوش. (۱۳۷۳). از اسطوره تا واقعیت. مجلات تخصصی نور.

5. خادمیان قادیکلایی، مریم؛ لطفی قادیکلایی، نرجس؛ قاسمزاده، زهرا و کوپایی، علی. (۱۴۰۱). دانش اثربخشی معلم و نقش آن در دستاوردهای دانش‌آموزان. هفتمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش، محمودآباد.
6. رحیمی نیا، محسن. (۱۴۰۰). چرا محیط برای یادگیری دانش‌آموزان مهم است؟.
7. سعیدی فر، ملیحه؛ سعید، محمد؛ زنگنه، نرگس و امامی، پریرسا. (۱۴۰۰). نقش معلم در فرآیند یاددهی و یادگیری. سومین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در تعلیم و تربیت، روانشناسی، فقه و حقوق و علوم اجتماعی، شیروان.
8. سیف، علی اکبر. (۱۳۹۰) [اصلاح سال انتشار از گزاره اصلی]. روانشناسی پرورشی نوین. تهران: انتشارات سمت.
9. شعبانی، حسن. (۱۳۹۹). مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس).
10. صیدیمزادی، شیوا و صیدیمزادی، شیدا. (۱۴۰۳). ایجاد محیط یادگیری مثبت از طریق مدیریت کلاس. هفتمین همایش ملی میان رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی، آبان ۱۴۰۳، پایگاه نور.
11. عباسی، مطهره؛ عباسی، نگین؛ عباسی، سارا و ایثاری، سیدامیرحسین. (۱۴۰۲). استراتژی‌های مؤثر برای ایجاد محیط یادگیری سازنده در کلاس درس. اولین کنفرانس پژوهش‌های مدیریت تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش، اسفند ۱۴۰۲، تهران، پایگاه نور.
12. کرمی، مرتضی؛ تجری، مجتبی و پاکمهر، حمیده. (۱۳۹۹). *فزایش اثربخشی برنامه درسی مهارت‌های زندگی از طریق خلق محیط‌های یادگیری سازنده‌گرا. فصلنامه روانشناسی تربیتی، سال شانزدهم، شماره ۵۷، پاییز ۱۳۹۹.